هفته نامهٔ
# مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

سرمقاله
## دشمنان باز در تخار فاجعه آفرید
ص۲

## پیام تکانهٔ حادثهٔ تخار
ص۲

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ نهم ۱٤جوزای ۱۳۹۰ ۲ رجب المرجب ۱٤۳۲ – 4 Jun 2011

استاد برهان الدین ربانی در مراسم تشییع جنازهٔ جنرال محمد داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری در تخار:

# سپاهیان اسلام، در دفاع از افتخارات و ارزش های شان در سنگرهای حق در برابر باطل ثابت قدم می مانند



شهادت جنرال محمد داوود داوود، جنرال شاه جهان نوری و همرا هان شان را در حادثهٔ خونین ۷ جوزا، به خانواده های این دو شهید، به همسنگران شان و به شما ملت عزیز، پایگاه پرافتخار دوره های جهاد و مقاومت تسلیت می گویم و از بارگاه خداوند نیازمندم، تا برای همهٔ ما و شما صبر و استقامت نصیب بفرماید.
ص۳



## مردی از تبار آزادگان
ص۷

## پیام استاد برهان الدین ربانی به مناسبت شهادت جنرال محمد داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری

بسم الله الرحمن الرحیم

**اناالله واناالیه راجعون**

امروز باز دست جنایتکار دشمنان ملت مسلمان به خون فرزندان رشید ملت مسلمان افغانستان دگرجنرال محمد داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری و تنی چند از یاران شان رنگین شد.

جنرال محمد داوود داوود فرماندهٔ زون ساحوی ۳۰۳ پامیر و جنرال شاه جهان نوری قوماندان امنیهٔ ولایت تخار، از فرزندان صدیق و فداکار این کشور بودند که از دوران نوجوانی تاپایان عمر در خدمت وطن و مردم قرار داشتند و در دوران جهاد و مقاومت آیه هایی از ایثار و فداکاری شناخته می شدند.

من درحالی که این حملهٔ جنایتکارانهٔ دشمنان مردم افغانستان را شدیداً محکوم می کنم برای این شهیدان عزیز بهشت برین و برای بازماندگان آنان صبر جمیل از خداوند متعال خواستارم.

من یقین کامل دارم که چنین اعمال وحشیانهٔ دشمن، ارادهٔ خلل ناپذیر ملت مسلمان افغانستان را در دفاع از سرزمین و زندگی شان سُست نخواهدکرد.

ملت شجاع و غیورافغانستان باید با همدلی و برادری در برابر این توطئه های جنایتکارانه بایستند، و نگذارند که دشمن بتواند به اهدافش برسد. ما که امروز شاهد شهادت جنرال داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری و یاران آنان هستیم، دیروز نیز شاهد شهادت جنرال مولانای سیدخیلی قوماندان امنیهٔ کندز و شهادت جنرال خال محمدخان قوماندان امنیهٔ ولایت قندهار بودیم، حمله برجان این فرزندان رشیدکشورکه درمکتب جهاد و مقاومت تربیت شده اند، نشان می دهدکه دشمن در صدد تضعیف آنانی است که سد بزرگی را در برابر آنان ساخته اند. دولت افغانستان باید پایداری و راست قامت ایستادن، این حامیان راستین کشور را پاس دارد، و کمال توجه و عنایت را درحفظ جان آنان بنماید!

من درحالی که یک بار دیگر این حملهٔ جنایتکارانه را محکوم می کنم ازخداوند تبارک و تعالی برای شهید محمد داوود داوود، شهیدشاه جهان نوری و دیگر یاران شهید شان درجات بلند در بهشت برین می طلبم.

**پروفیسوربرهان الدین ربانی رهبرجمعیت اسلامی افغانستان**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

## سرمقاله

# دشمن باز در تخار فاجعه آفرید

باز تروریست ها و دشمنان مردم افغانستان حادثه آفریدند، باز جنایتکاران عصر دست به جنایت زدند، باز سنگردار جهاد و مقاومت را به گونه ای که مسعود برتری هدف قرار داده، بودند به خاک و خون افگندند.

در نشستی امنیتی که به تاریخ ۷ جوزا در مقر ولایت تخار روی بهبود وضعیت امنیتی شمال شرق کشور دایر گردیده بود، جنرال محمد داوود داوود فرماندهٔ پولیس زون ساحوی ۳۰۳ پامیر و جنرال شاه جهان نوری قوماندان امنیهٔ تخار با دوتن دیگر در اثر انفجار ماین از قبل جابجا شده، به مقام والای شهادت نایل گردیدند.

جنرال محمد داوود داوود مجاهد پاکبازی بود که از عنفوان جوانی عمرش را در راه دفاع از وطن و مردمش در کنار قهرمان ملی کشور گذرانید و حدود هشت ماه که از گماشتن اش به حیث فرماندهٔ پولیس زون ساحوی ۳۰۳ پامیر می گذشت، در تضعیف مخالفان مسلح دولت به خصوص طالبان کوشید و در تأمین امنیت فعالانه درتلاش بود.

دشمنان صلح و آرامش در طی چند ماه اخیر فرماندهان مهم جهاد و مقاومت چون: جنرال سید خیلی، جنرال خان که از خود در دفاع از وطن و تأمین امنیت شایستگی نشان داده و در از بین بردن ریشه های تروریسم فعالانه تلاش داشتند، هدف قرار گرفتند و به شهادت رسیدند که بدون تردید ضایعه ای است جبران ناپذیر.

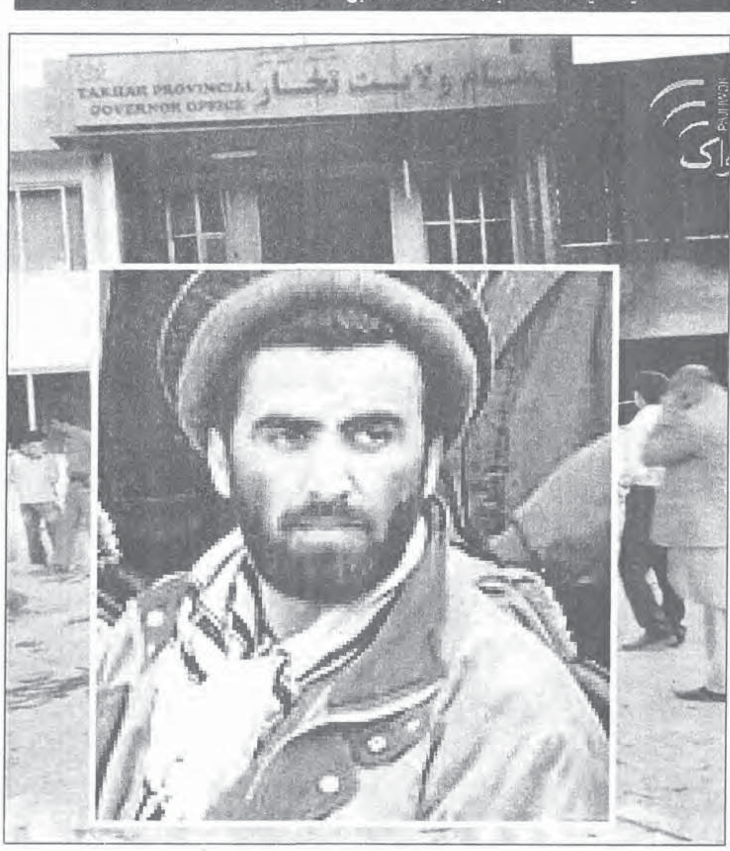
سه هفته پیش نیز ، تظاهراتی که در پی کشته شدن چهارتن از یک فامیل در بمباردمان شب هنگام نیروهای خارجی در منطقهٔ گاومالی تخار رخ داد، مخالفین از این تظاهرات که خواست مشروع مردم بود، استفادهٔ سوء کردند و به خشونت گرایید که تعدادی از هموطنان ما کشته و زخمی و دارایی شان تلف شد. از حوادث ماه های اخیر چنین بر می آید که دشمن با برنامه و پلان شده عمل می کند و روز تا روز ضعف نیروهای امنیتی را برملا می سازد، که حملات انتحاری در مقر وزارت دفاع ملی و بیمارستان ۴۰۰ بستر را می توان از جمله ضعف ها برشمرد.

گمان بر این می رفت که، بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، پراگندگی و چند دستگی بین گروه های مخالف مسلح را بوقوع بپیوندد و تضعیف شوند، اما نه تنها حملات کاهش نیافت بلکه، به شدت آن افزون گشت و بهترین فرماندهان کشور هدف قرار گرفتند. روزی نیست که خبری از کشته و زخمی شدن برخی هموطنان مان در گوشه و کنار کشور از طریق رسانه ها نباشیم. شدت حملات مخالفان مایهٔ نگرانی بیشتر شهروندان کشور گردیده است. به خصوص گزارش امنیتی که سرپرست امنیت ملی در مجلس نمایندگان ارائه کرد، به نگرانی شهروندان می افزاید، که از تشدید حملات طالبان و نا امنی ها در هشت ماه دیگر خبر داد. آقای نبیل سرپرست ریاست امنیت ملی در مجلس نمایندگان گفت: « در سال ۱۳۹۰ حمله های هراس افگنی درکشورما درهمکاری با استخبارات کشور همسایه و القاعده صورت می گیرد.»

ما در حالی که به روح فرزندان فداکار وطن، جنرال محمد داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری و همه کسانی که در راه اعتلای کلمهٔ خدا، تمامیت ارضی و منافع ملی کشور جان های شیرین شان را از دست داده اند، اتحاف دعا می نماییم، روان شان را شاد و به بازماندگان شان صبر جمیل می خواهیم. از گرداننده های حاکمیت کشور جداً تقاضا داریم تا به منظور تحکیم صلح، تأمین امنیت و رهایی از بدامنی، شعارگونه در قضایای سرنوشت ساز میهنی بر کرسی قضاوت ننشینند، منافع ملی را در نظر بگیرند، فارغ از مبهم گویی ها، تعریف مشخصی از دوست و دشمن ارائه دارند تا انگیزهٔ دفاع و مقاومت به میان آید، استراتیژی و برنامهٔ قاطع و پاسخگو داشته باشند، جهت رشد و توسعهٔ جغرافیایی به نام افغانستان، انکشاف متوازن را در نظر بگیرند. درغیر آن، سریال بدامنی، بی ثباتی، کشتار، ویرانی در کشور ادامه خواهد یافت، بدون شک متضرر اصلی حوادث شهروندان کشور است، به یقین زمانی مردم به خشم آیند، حوادث غیر قابل پیش بینی را در پی خواهد داشت.

# پیام تکانهٔ حادثهٔ تخار

سید عنایت الله شاداب/استاد دانشگاه کابل




**حادثهٔ خونین هفت جوزای ولایت تخار که تخاریان و همه کسانی را که به سرنوشت این وطن می اندیشند، در گلیم سوک نشانده و فضای یأس و حیرت و تشویش را بر زندگی پر از حادثهٔ این کشور حاکم و این پرسش را در اذهان مطرح کرده است که پایان کار این ملت چه خواهد بود و سر نوشت این کشوری که هر صبح و شام آن با ریختن خون ها و شهادت ها آغاز و پایان می یابد، چگونه رقم خواهد خورد؟**

شهادت مولانا عبدالرحمن سید خیلی و خان محمد خان مجاهد و ملک زرین و انجنیر عمر که در کارزار کاروان جهاد رشد و در سنگر های دفاع از وطن و افتخارات آن حماسه ها آفریدند چه مسؤولیتی را به دوش اخلاف و رهروان و رهبران می گذارد.

بدون شک در زندگی ملت ها حوادثی از این گونه سرزده و به وقوع می پیوندد و وقوع این گونه حوادث نه اول است و نه هم آخر و به حکم سنت های خدایی حاکم بر تأریخ، سربازان راه دفاع از حق، آزادی و عدالت می رزمند و شهید می شوند آیندگان هم راه آنان را تعقیب و ادامه می دهند.

**برگذاری این همه سوگواری ها و اشک ریزی ها یقیناً بیانگر ارجگذاری به جانبازی ها و قهرمانی هایی است که داؤود ها و نوری ها و سید خیلی ها و مجاهد ها و... ثبت اوراق تأریخ مبارزات این کشور در دفاع از دین و عزت و سر فرازی آن نمودند.**

**اما سوالی مهم و اساسی که در ذهن ها و در برابر شاهدان این حوادث جوانه زده و قد علم می کند این است که چه برنامه ای را باید برای جلوگیری از این گونه حوادث تعقیب کرد؟**

آیا می شود که در انتظار نشست تا حوادث دیگری رخ دهد و ما همه گوسفندوار در انتظار آمدن قصابانی باشیم که بیایند و ما را ذبح کنند و یا با ابراز احساسات زودگذر مرحله ای بسنده کرده و در برابر حوادث خونباری ازین گونه حوادث مسؤولیت های خویش را پایان یافته تلقی کنیم و یا با سردادن شعار هرچه بادا باد، به تشدید اختلافات قومی،گروهی و سلیقه ای کمر بندیم که قربانی ان هم تنها مردمی خواهد بود که سر می دهد و بس.

و یا صابرانه و پایدارانه برای جلوگیری از این گونه وقائع اثر گذار در سرنوشت آینده، برنامه ریزی کرد و ازین طوفان حوادث نجات یافت. رمز بقای ملت های ماندگار در تأریخ در همچو یک موضعگیری، در برابر حوادثی ازین طراز نهفته است.

**اساساً دردی که امروز ما را رنج می دهد، درد موضعگیری های متفاوت در برابر سرنوشت آیندهٔ این کشور به ویژه در برابر حادثه خونین تخار است این موضعگیری های متفاوت باعث بر آن خواهد شد که از یکطرف آسیب پذیری ها کسب شدت نموده و از جانب دیگر باور مردمی را بیشتر از پیش کمرنگ خواهد ساخت.**

**هرگونه موضعگیری که درین راستا اتخاذ می گردد باید آگاهانه و دورنگرانه باشد که در غیر آن، آنچه نصیب مردم خواهد شد، جز از هم پاشیدگی بیشتر، چیز دیگری نخواهد بود.**

امروز که تخاریان و مجاهدین و یاران شهدای هفت جوزای در آن به رسم سوگواری به برگزاری ختم ها و مجالس تعزیه داری پرداخته و از شخصیت، تقوی، اخلاص، وفاداری به دین، وطن و کاردانی و مقاومت شهید داؤود داؤود یاد می کنند، خود بیانگر این است که ضمیر و وجدان مردم، خدمتگاران مخلص و فداکار راه دین و وطن را به دیدهٔ تقدیر و احترام می نگرند و حماسه آفرینی های آنان را از یاد نمی برند و کارنامه های آنان را به حیث الگوی مبارزه در راه دین و وطن در حافظهٔ خود و نسل اندر نسل نگهمیدارند.

و حرف اخیر هم این که، پیام تکانهٔ حادثهٔ تخار به همه مردمی که برای میهن و مردم خویش می اندیشند این است که، اگر حوادثی ازین طراز را در محراق توجه خویش قرار نداده و از آن سرسری می گذرند یقین داشته باشند که در زیردندانه های چرخ این گونه حوادث خورد و خمیر خواهند شد و کسانی دیگری برین موج سوار خواهند گردید که تنها سربلندی ملت و دفاع از دین و وطن و ایمان و هدف آنان را تشکیل داده و در راه هدف و آرمان خود همه را قربانی می دهند و از ملامت، ملامت گری هراس ندارند.

درود بر روح و روان همه شهداء به ویژه شهدای اخیر کشور و همه شهدای اسلام.

**روح شان شاد و یادشان گرامی باد**

استاد برهان الدین ربانی در مراسم تشییع جنازهٔ جنرال محمد داوود داوود و جنرال شاه جهان نوری در تخار:

# سپاهیان اسلام، در دفاع از افتخارات و ارزش های شان در سنگرهای حق در برابر باطل ثابت قدم می مانند



برادران عزیز، مردم همیشه در سنگر ولایت تخار، پایگاه پر افتخار جهاد و مقاومت!

**السلام علیکم و رحمت الله و برکاته**

شهادت دو تن از فرزندان ارجمند، قهرمانان عزیز و بزرگی را که در دوره



**شهید جنرال سید خیلی**



**شهید جنرال خان محمد مجاهد**



**شهید انجنیر محمد عمر**

های پرافتخار جهاد و مقاومت سنگر به سنگر در دفاع از دین، استقلال و آزادی کشور پرداخته اند و امروز در اثر جنایت عده ای از عناصر تروریست، اجیر و مزدور جام شهادت نوشیده اند برای شما و تمام مردم شهید پرور افغانستان تسلیت می گویم

**انا لله و انا الیه راجعون**

در تاریخ افغانستان به خصوص در تاریخ جهاد و مقاومت، بعد از شهادت قهرمان ملی، حادثهٔ دیروز تخار، از جمله دردناکترین و مصیبت بار ترین حادثهٔ خونینی بود که ملت افغانستان شاهد آن است. سنگر نشینان فداکار ولایت تخار و همه مردم دین دوست و مسلمان افغانستان از هر قوم و قبیله ای که هستند این حادثهٔ دردناک آنها را در غم و اندوه غرق ساخته است.

فرزندان جهاد و مقاومت از روزهای آغازین، که با خدای خود تعهد بسته اند، هر روز و هرساعت در سنگرهای دفاع در انتظار شهادت بودند. اما هیچ کس فکر نمی کرد که چنین چهره های ارجمندی، به دست مزدوران ناپاک اجیران خارجی، در حالی که درخدمت و امنیت کشور قرار داشتند، با این گونه دسیسه های شوم به شهادت برسند.

**شهادت این دو ابر مرد و همرا هان شان را که در حادثهٔ خونین دیروز ۷ جوزا به وقوع پیوست به خانواده های این دو شهید، به همسنگران شان و به شما ملت عزیز پایگاه پرافتخار دو دورهٔ جهاد و مقاومت تسلیت می گویم.**

**از بارگاه خداوند به دست دعا نیازمندم، تا برای همهٔ ما و شما صبر و استقامت نصیب بفرماید.**

**گرچه جای این فرزندان در میان ما و شما خالی خواهد بود و جا دارد آن عده از شهیدان عزیزی که در حادثهٔ گاومالی، در اثر بمباردمان نیروهای آیساف شهید شده اند، به روح همه شان اتحاف دعا کنیم.**

دشمنان اسلام و افغانستان، عناصر بزدل باید بدانند، هرقدر که از ما شهید بگیرند، اما سپاهیان اسلام، فداکاران و دلیر مردان، این سرزمین هزاران درهزار در سنگر نشسته اند، در دفاع از دین، وطن و افتخارات جهادی شان مبارزه می کنند و در سنگرهای حق در برابر باطل ثابت قدم می مانند.

همه می دانیم چند سال پیش توطیه ها در جنوب افغانستان آغاز شد، بد امنی ها، ترور و کشتار های بیرحم در ولایات جنوب و برخی ولایات شرقی افغانستان گسترده شد. شمال افغانستان که پایگاه امن بود، ما دیدیم که دسیسه ها، به این جا هم‌کشانیده شد.

اما با فداکاری دگرجنرال محمدداوود داوود، یاران همسنگرش و برادران عزیزی که پیش از این ها شهید شدند انجنیر محمد عمر، برادر قهرمان عبدالرحمن سیدخیلی، برادر ارجمند در قندهار خان محمد خان، و اخیراً مولانا شاه جهان و سایر عزیزانی که شهید شده اند، با حضور این دلیر مردان وضعیت بد امنی در شمال به ثبات تبدیل شد.

امروز مثل دیروز نیست که در بغلان و قندز و حتی در تخار و گاه گاهی هم در بدخشان حلقه ها و دسته های تروریست، پایگاه قدرتمندی داشته باشند. امنیت حاکم شد. اما من یقین دارم که دست توطیه برای بد امنی دراز است.

توصیهٔ من این اسٔت که همه هوشیار باشیم، راه غلبه بر دشمن، وحدت و یکپارچگی و اعتقاد به این که راهی را که ما انتخاب کرده ایم، راه برحق است، اجازه ندهیم که اختلافات قومی و گروهی، اخلافات سلیقه ای باعث ضعف و نا توانی ما گردد.

زیاده از این شما را در انتظار نمی گذارم، امیدوار هستم که علمای بزرگوار تخار مثل همیشه در رهبری و هدایت مردم، در وحدت و یکپارچگی مردم در توصیهٔ مردم به اتحاد و اتفاق سهم مؤثر خود را اتخاذ نمایند.

**اقول قولی هذا استغفرالله لی ولکم والسلام**

---

مباحثی پیرامون دین شناسی تطبیقی

# سیری در ادیان رایج جهان

**( سید احمد اشرفی )**

## داستان زندگی بودا

بخش دوم

درابتدا او نزد چند مرتاض رفت تا از آنها راه ارامش و رسیدن به نیروانا را بیاموزد، اما دیری نگذشت که از آنها برید و به سرزمین ماگادا رفت و در آنجا ره اتفاق پنج مرتاض دیگر، به ریاضت طاقت فرسایی پرداخت، و مدت شش سال را به امساک و پرهیزگاری و خلوت گزینی و ریاضت جسمی و روحی پرداخت. اما پس از شش سال زحمت متوجه شد که به نیروانا نرسیده و به حقیقت نایل نگشته است، لذا از این همه ریاضت های سخت و مشکل مأیوس شد و فهمید که حقیقت را از این راه نمی توان به دست آورد. پس از جنگل بیرون شد و به زندگی عادی بازگشت، غذا خورد و از دست دوشیزه ای به نام سوجاتا شیر نوشید، وقتی مرتاضان همراهش خبر شدند که از دست دوشیزه ای شیر نوشیده او را به شکست و ارتداد متهم نمودند و با وی مقاطعه کردند. سیدارتا پس از جدایی از همشربانش مدتی به تأمل و مراقبت پرداخت و سپس در زیر درختی که از آن پس آن را درخت بیداری و روشنایی نام گذاشتند، نشست و تصمیم گرفت که یا در آنجا می میرد ویا به حقیقت نایل می شود. سرانجام هنگام سپیده دم، حقیقت نقاب از چهرهٔ خویش برداشت، ونوربی پایان در اعماق و جودش سریان کرد، و به درک کلیه اسرار جهان و کشف ریشه های رنج انسان و راهی که منجر به فرونشاندن این رنج می شود، نایل آمد و بعد از آن به القاب مختلفی مشهور گشت. بعضی ها وی را **بودا** یعنی بیدار شده و آگاهی یافته نامیدند، و برخی "تاثا گاتا شاکیا مونی "، یعنی کاهن قبیلهٔ شاکیا خواندندش، و تعدادی وی را به لقب "مالک یگانهٔ جهان" مفتخرساختند.

آیین بودایی شرح مفهوم همان حقیقتی است که بودا به آن دست یافت و آن را **نیروانا** نامید. بودا پس از آن حادثه به جامعه برگشت و بقیهٔ عمر را در دعوت و ترویج آیین خود سپری نمود. تعداد کثیری از مردم به دعوتش پیوستند، و افراد قبیلهٔ شاکیا به شمول پدر و همسرش از پیروان وی شدند. بودا بالاخره در سن هشتاد سالگی در نزدیکی شهر بنارس در گذشت و به نیروانا پیوست. جسد بودا تحت نظارت شاگرد سر سپرده اش **اناندا** سوزانده شد، و بر سرخاکستر آن که در کجا دفن شود، میان حاکمان مناطق مختلف هند نزاع سختی در گرفت و نزدیک بود که منجر به جنگ و خون ریزی شود، ولی با نصحیت حکیمی به نام **درونا**، غائله فرو نشست، و خاکستر آن به ده بخش تقسیم و در ده منطقهٔ هند مدفون گردید، و پیروانش بر فراز هرکدام از آنها معبدی برپا کردند که امروز آثار مهم و مقدس بودایی در جهان به شمار می رود.

یبک از دانشمندان بودایی در وصف بودا می نویسد: « در جستجوی صورت و صفت بودا مباش، زیرا هیچ صورت و صفتی تمثیل از بودا کرده نمی تواند، بودای حقیقی نور مطلق است و بهترین راه برای شناخت بودا ادراک نور است.. بودای حقیقی در شکل نمی آید و به چشم انسانی دیده نمی شود..و وصف ان بازبان بشری غیر ممکن است.. جسم بودا همهٔ زوایای هستی را پر کرده است. او تا ابد و جود خواهد داشت.. بودا به ماه همانند است در جاهای مختلف و در شرایط گوناگون، به اشکال مختلف دیده می شود، اما در جوهر خویش غیر قابل تغییر است.. خلاصهٔ جسم بودا محبت است و همچنانکه باد ریگ های کوچک را می برد، جسم بودا همهٔ درد ها و رنجهای بشری را جارو می کند. در حقیقت بودا دارای جسم مادی نیست، اما برای اینکه سیمای بودا تکمیل شود، گاهی در قالب جسم ظاهر می شود ومطابق به طبیعت و صفات بشری به انسان ها تجلی می کند ومتولد می گردد، و با این تجسم از بیماری و مرگ به عنوان ابزار استفاده می کند، تاانسان ها را رهبری کند و راه نجات به آنها نشان دهد. چیزی قدرتمند تر از بودا وجود ندارد.(!!!)

ولی خدای یکتا و یگانه قدرتمندتر و توانا است

اما با وصف آن، او به خاطر محبت و مهربانی ای که دارد به جهان رنج ها مشکلات می آید تا در رنج و درد انسان ها شریک شود و با نور حکمت آن ها را از گمراهی و رنج نجات دهد.» نام بودا در کتاب های فارسی و عربی قرون اولیهٔ اسلام، به صورت **بوذه** و **بوذسف** آمده که بر اساس آن کیش بودایی ار **بدهیه** و **بوذسفیه** گفته اند. کلمه **بوده** را به سکون دال و های ملفوظ ثبت کرده اند، و احتمال نزدیک به یقین می رود که کلمهٔ **بت** در زبان فارسی از نام بودا آمده باشد.

## دسته گلی از چمن «آزادی روح»

# نفس چون با غرض جوشید گفتن بارمی آرد

عبدالقیوم ملکزاد

گل[illegible]ی [illegible]ستان هنر پرور وطراوت گستر « بیدل»، در باغ استغنا، علوهمت، حفظ آبرو وکرامت انسانی کاریده وآن ها را با خون دل پرورده ، فراونند وبسیار؛ و باجلوه های خاص و رنگارنگ بر سر شاخسار کلامش موجزن است و نمودار! چندانکه اگر فرصت چیدن دسته ای از این گل ها و بوئیدن عطر آن ازهار فراهم شد، ارباب ذوق و ادب دوستان را مشکل است خویش را از شمیدن رایحهٔ گل های دیگری از این دست ، بی نیاز انگارند.

ما مهمان بیدلیم؛ شاعرنامداری که یکی ازمنادیان بلند فریاد آزادی است، آزادی روح ورهایی ازتمامی بند های ذلت بار وحقارت گستر!

آری ، ما میمان بیدل همه دلیم ؛رسم است وقتی که کسی به مهمانی فراخوانده شد، نخواهد توانست بی تدارک سوغات، ره به سوی منزل میزبان بسپرد!

میزبانی که می خواهد به حکم قدرشناسی و سخاوتمندی، دسته های گل بر مقدم مهمان بگسترد، تاپذیرایی بهتری از آن شده باشد...! لذا مهمان را می باید تا بهترین و گرانبهاترین تحفه ای برای تقدیم مهیا سازد، که ساخته است!

خواهید پرسید: هدیه ای با این وصف ، چه خواهد بود؟

پاسخ اینست که: این سوغات بی نظیر، که جان بخش است و دلپذیر، آیه های متبرکی است از کلام خدای قدیر.

بی شبه و تردید هیچ موجودی را جز ذات اقدسش توان آن نیست تحفه ای بدان عظمت، چاشنی ای با آن عذوبت و قداست، پدید آرد.

در جنب آوردن آیاتی جان پرور - که مرتبط با جستار کنونی هست- گپ و سخن هایی هم با الهام از آن کتاب بزرگ ، از سروران دین.

اکنون به نام خدا به تقدیم ترجمهٔ آیهٔ مبارکه ای می پردازیم، از:

**آن کتاب زنده قرآن حکیم**
**حکمت او لایزال است و قدیم**
**نسخهٔ اسرار تکوین حیات**
**بی ثبات ازقوتش گردد ثبات**

وبه قول دیگرعلامه اقبال:

**گرتو می خواهی مسلمان زیستن**
**نیست ممکن جز به قرآن زیستن**

حال توجه کنیم به آیت ( ١٢۵) سورهٔ متبرکهٔ « نمل» ، که دعوتگران را با چه بیان شیوا و حکیمانه، رهنمایی می فرماید:

**"با دور اندیشی و اندرز زیبا به راه پروردگارت دعوت کن، و به بهترین شیوه با آنها گفتگو نما».**

آنچه را که قرآن شریف در اینجا شرط قرار داده، همانا جدال و مناقشه به صورت احسن است. یعنی به روشی که عقل را قانع و دل را زنده کند ویکی از زیباترین تعا بیر قرآنی این است که در موعظه "حسنه " وپسندیده توأم باشد؛ اما دربحث وگفتگو می توان تنها با "احسن" رضائیت نشان داد. زیرا موعظه با موافقین صورت می گیرد، برخلاف " گفتگو و"مجادله" که با مخالفین انجام می یابد.

پس لازم است تا در گفتگو و مجادله از بهترین وسایل وامکانات وروش ها بهره گیری شود.

آیهٔ مبارکه فوق بهترین دستور وچراغ را ه برای رهبران و رهنمایان دین در رأس پیامبر بزرگوار اسلام حضرت ختم المرسلین است.

پیامبر اکرم ( صلی الله علیه وسلم) می فرمایند:

**« هدیه ای بهتر از این نیست که مسلمانی برادر با ایمانش را با گفتن کلمه (سخن) پرحکمتی به هدایت، دعوت نموده و او را از گمراهی باز دارد.** (بیهقی)

با تکیه به همین ارشادات گراسنگ باید گفت که:

مؤمن چیزفهم و آگاه- که شامل شاعران مصلح، نویسندگان یا ادبای متعهد نیز می شود- از انسان تعریفی به عنوان موجودی برترو رمزگزینش اوبه منصب منیع خلیفه اللهی در بسیط هستی ، ارائه می دهد.

فلهذا همان طوری که طی طریق تکامل انسان از این گذرگاه میسر است، همین طور عوامل سقوط او نیز در سیر قهقرایی در این ودای سراغ می گردد!

بناءً آنعده اشخاص و به تعبیردیگر "فروماند گان" ، وقتی که از نظارهٔ سیمای پرفروغ حقایق به عجز و ناتوانی اندر می شوند، مسلماً نیاز به ناصحانی خیراندیش و مبلغان وارسته پیدا می کنند تا آنان را، به راه مستقیم دعوت نمایند.

از همین خاطر است که شرط مسلمانی و دینداری، داشتن حساسیت واهتمام نسبت به اوضاع اجتماعی ، سرنوشت خود و مردم و بشریت قلمداد شده است.

آری!" حساسیت و اهتمامی منتهی به تصمیم گیری دایر بر مشارکت در تعیین اوضاع محیطی و صورتبندی سرنوشت خود او و امت!»

درین شک نیست که اکثر جوامع بشری در حوزهٔ اجتماعی از بیماری ها و آفت های گوناگونی رنج می برد. طوری که می دانیم ریشه اصلی اکثر این بیماری ها، همانا فقر فرهنگی و فقر اقتصادی و همچنان "عدم توسعه یافتگی انسانی" می باشد.

درهمین اوضاع واوحوال است که رسالت چیزفهمان -که در پیشاپیش آنان واعظان ، ناصحان دین، شاعران و نویسندگان دعوتگر قرار دارند- برجسته ترمی شود تا خدمت به حیات وزندگی برای ساختن و اصلاح را در محراق توجه خود قرار دهند وبا فراز در مسند ارشاد و موعظهٔ حسنه ( اندرزهای نیکو) اهتمام جدی به این مساله را شرط دینداری وا نمایند.

این نکته می تواند به مفهوم ارائه رویکرد تعهد در ادبیات نیز قلمداد شود، درعین اینکه یکی از بارز ترین ویژه گی های ادب اسلامی به حساب می آید.

برای توضیح بیشتر باید افزود که:

رویکرد تعهد در ادبیات نخست از زبان و کلام واپسین سلسله دار وحی الهی مطرح شده؛ ذات شریفی که شمع دستور بر می برفروزد:

**« کسی که به این وضع در آید که اهتمامی به امور مسلمین نداشته باشد، مسلمان نیست.»**

گفتنی است: این رویکرد شامل تمامی گونه های ادب می گردد. از هنگامی که چهار چوبی اسلامی برپایه قرآن و سنت برای شعر وادبیات مقرر شد، ادبیات برای خود نقش متعهدانه و مقید برای حدود وثغور فراهم ساخت.

چهار چوب هایی که برای ادبیات وضع گردید به طور کل برای خیر و صلاح و به منظور صیانت و پاسداشت ازکرامت انسانی و مصلحت انسانی است.

■

این هم گلبرگ هایی بویا از شاخسار قناعت – یا یکی ازدرختان کشن شاخ و تناور آزادی روح - که از بوستان پرطراوت بیدل چیده ایم :

**تغافل را زامداد کسان برگ قناعت کن**
**مروت عمرها شد رخت از این کشور برآورده**

طوری که فهمیده شد لب ولباب بیت بالا فرا خوانی است برای رفتن بر جبهه جنگ علیه سپاه ویرانگرطمع وآز وفرو ریختن دیوارهای زندان متعفن آن با دستان پرصلابت انسان!

ابوالمعانی در جای دیگری اینگونه داد سخن می دهد:

**قناعت احتراز از تشنه کامی دارد ، ای منعم!**
**توکردی شوردیگرحرص من هم کم نمک کردم**

بدان معنی است که شوری با تشنه کامی در نمی سازد!

و در بیت پسین، بیدل چنان ممنون قناعت مشربی های حباب خویش است که توانسته با قطره ای باقی مانده در ساغر، سد رمق کند:

**میرسید از قناعت مشربی های حباب من**
**به ساغر آبرویی داشتم سد رمق کردم!**

گویند: شعر عمده ترین و کهنترین پیوند را با اندیشه انسانی و احساس و عواطف او دارد وهم می تواند خیال انگیز ترین صورت های هنری را با مایه گرفتن از همین ارزشهای عام، یعنی مجموعه اعتقادات، اداب ، رسوم ، خلق وخوی اجتماعی و عناصر مشترک فرهنگی بیافرینند و انتقال فرهنگ ملی را در بهترین شکل محقق سازد.

شعر بیدل و مولانا و سعدی وعطار و سنایی و حافظ و اقبال وو... از همین طراز است.

اینها از جمله ابوالمعانی، وقتی که نارسایی ها و کمبودی ها را مشاهده می کند، نمی تواند دست روی دست بگذارد و بی تفاوت از برابر شان بگذرد، بل برعکس اندیشه اش جولان می کند وبا استفاده از کلید معانی و با بکار گیری از مضامین باریک و دقایق هنری، روزنه های موفقیت و سربلندی را برمی کشاید.

رسالت نویسنده ویا شاعر آگاه و متعهد این نیست که تنها برای نقطه ضعف هایی مرثیه بسراید وپیرامون آنها آیه یاس بخواند، بلکه رسالت خود می داند تا به جامعه و مردم خویش امید وشوروتحرک القا کند وبردل ها حرارت وهمت بیافریند وبدینترتیب وانماید که دل باید کانون فروزندگی باشد که آزادگان را چنان می شاید ودر پی درمان آفت ها و نقطه ضعف ها بر آید وزمینه سازعروج به سوی بلندی ها باشد.

علامه بزرگوار: اقبال درسروده ای زیرعنوان :" درفن تعمیرمردان آزاد" راجع به آنچه گفته آمدیم، اشاراتی دارد آموزنده که باهم زمزمه می کنیم:

**یک زمان با رفتگان صحبت گزین**
**صنعت آزاد مردان هم ببین**
**خویش را ازخود برون آورده اند**
**این چنین خود را تماشا کرده اند**

**سنگ ها با سنگ ها پیوسته اند**
**روزگاری را به آنی بسته اند**
**همت مردانه و طبع بلند**
**در دل سنگ این دولعل ارجمند**
**سجده گاه کیست این ازمن مپرس**
**بی خبررو داد جان ازتن مپرس**

هرگاه روح افسرده بود وخوگیربه خاصیت رسوبی ومیلانگری به تنزل وپستی ، آنگاه لاجرم تن به ذلت وخواری وبردگی خواهد داد و حیات ونشاط را به چنگال افسردگی خواهد سپرد.

**وای من ازخویشتن اندرحجاب**
**از فرات زندگی ناخورده آب**
**وای من ازبیخ وبن برکنده ای**
**ازمقام خویش دور افگنده ای**
**محکمی ها ازیقین محکم است**
**وای من شاخ یقینم بی نم است**

ودربند دیگر فرازهایی ازتوصیه او را می نیوشیم وآن را نیز آویزه گوش می کنیم :

**یک نظرآن گوهر نابی نگر**
**تاج را درزیر مهتابی نگر**
**مرمرش زآب روان گردنده تر**
**یک دم آنجا از ابد پاینده تر.**

وظیفه شاعر مؤمن و خدا آگاه ، هیچگاه سر پوش گذاشتن بر روی ضعف ها و نارسایی ها نیست ویاهم توجیه معیار نیست. این برآن معنی است که بایست جلو روی فتنه ها ایستاد و برای مهار کردن آن ها آستین همت و مجاهدت بر زد.

و این رسالتی است در راستای روشن ساختن راه و تبین اندیشه های دینی و اخلاقی!

**ادامه در شمارهٔ آینده**

# سرگذشت کشورهای عرب خاورمیانه

# جریان اصلاح طلبی و خیزش ها

## ۶

استاد عبدالعلی کوهی

از نظر متفکران و اندیشمندان عرب، یک چنین خیزش ها و حرکات اصلاحی ریشه در تاریخ این سرزمین ها دارد. اندیشه های سرکوفته از نیمه قرن بیستم بدینسو در میان دانشمندان و روشنفکران عرب وجود داشته است، که هیچگاه مجال تحقق نیافته است. محمد عابد الجابری در سال ۱۹۸۲م کتاب "گفتمان عرب معاصر" را انتشار داد و تضاد های روشنفکری در جهان معاصر را با ریشه های تاریخی آن به بررسی گرفت. او مدعی شد که رنسانس عربی موکول به تجدید ساختار عربی می باشد. روزی طه حسین در سخنانش گفته بود: قالب های گذشته اصلاح پذیر نیستند، باید آن را از بنیاد تغییر داد. در حالی که مکتب اصلاح طلبان می کوشند که با تجدید ساختار های گذشته برای خاورمیانه آگاهی بخشند، تا مولفه های تغییر شتاب بیشتر نماید. از نظر دانشمندان عرب خاورمیانه، و نویسنده توانا ی مصر نجیب محفوظ برنده ادبی جایزه نوبل، روشنفکران عرب در شرایط موجود به سه دسته تقسیم شده است. گروه نخست به گذشته ها چشم دوخته اند و همه چیز را در اسلاف معظم جستجو می کنند ،تغییر و تحویل بنیادی را نه می پذیرند، آن ها فقط می خواهند در گذشته زندگی کنند و برای خود، زحمت تغییر و دیگر اندیشی را نمی دهند.

گروه دوم تلاش می نمایند؛ تا تمامی قالب ها را از خارج مرز های عربی به داخل این قلمرو جغرافیایی داخل نمایند، از نظر آن ها این قالب های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دیگر قابل اصلاح نیست، باید همه اش وارداتی گردد و یک جهان بینی جدید و سیستم سیاسی مدرن از اروپا به عاریت گرفته شود. این گروه فقط به تعدادی تفکر اروپایی و امریکایی می خواهند در سرزمین های عرب افزایش دهند؛ اما گروه سوم در حد انصاف و تعامل امروزی سخن می گویند و به این باور اند آنچه از غرب و اروپا به عاریت گرفته می شود، باید دنیای عرب بدان نیاز داشته باشد، این نیاز ها نه باید به هویت ملی اعراب صدمه وارد کند. در حالیکه گروه دوم رای نجات را یک سره فراگرفتن تفکر اروپایی می دانستند، این گروه سوم در حقیقت همان روشنفکران ملی است که نیاز جامعه را درک می کنند، نه با گذشته ها خدا حافظی می کنند و نه هم از شرایط موجود فرار می کنند. یک چنین طرز تفکر امروز افکار نه تنها کشور های عرب؛ بلکه افکار جوانان آسیا، افریقا و جهان سوم را شکار نموده است. آنچه هم اکنون در میان کشور های عرب خاورمیانه می گذرد، نتیجه سرکوفته گیهای ده ها سال است که به صورت اجبار بالای آن سرپوش گذاشته شده است و حاکمان این کشور ها خواسته اند تا وضع موجود را در سرزمین های خویش حفظ نمایند.سال ها قبل در میان کشور های عرب خاورمیانه یکنوع نبرد و تصادم دیدگاه در میان نوگرایان و سنتگرایان وجود داشته است. استراتژی نوگرایان عرب در این نبرد با شکست هایی مواجه بوده است؛طوریکه نوگرایان نتوانستند بستر جامعه را به نفع پیشرفت و رفاه اجتماعی تغییر دهند و جریان اصلاحات مدرن را به سامان در آورند. در این نبرد های فکری همواره جانب سنتگرایان و عناصر رادیکال و ارتدوکس پیروز بوده است و جای اصلاحات مدرن و مدنی را مدافعان شرایط موجود تسخیر نمودند.

چند عامل در شکست برنامه های مدرن و اصلاح طلبی در این کشور ها دخیل می باشد، که می توان از نا توانی نوگرایان عرب در درک فرایند نوسازی سخن گفت؛ طوریکه این نوگرایان نتوانستند در یک تعامل دوسویه، افکار عمومی را به سوی اصلاحات مدیریت نمایند و حاکمیت را متوجه چنین خطرات سازند. خیزش های مردمی در کشور های عرب و خا ورمیانه نشان داد که هیچ گروه اجتماعی هرگز با رد وانکار گذشته اش نمی تواندنوسازی کند. نوسازی باید از درون حوزه سنت و میراث عملی گردد. باید گفت که نوسازی و اصلاحات مترادف با غربی سازی نیست و لزومی ندارد که چنین باشد؛ زیرا نوسازی و اصلاحات نیاز و شرایط موجود زندگی است، تیوری توسعه این حکم را می نماید که نوسازی، نه تنها با اصالت و سنت در تضاد نیست؛ بلکه با هم سازگاری دارند. باید گفت که نوسازی توسعه در جوامع شرقی؛ به ویژه خاورمیانه و جهان عرب، به دلایل مختلف موفقیت آمیز نبوده و منجر به حل مسایل و مشکلات مردم نگردیده است. از مهم ترین عوامل این شکست فقدان یک چارچوب نظری و قالب فکری ریشه دار در سنت و میراث فرهنگی خاورمیانه و درک انتقادی از این جامعه می باشد.

در دنیای عرب و اسلام همواره گرایش به گذشته های تاریخی بوده و اندیشه های جامعه مدنی مدرن و تمدن جدید و نظام های پیشرفته در حاشیه قرار داشته است. به همین منظور تراژیدی خاورمیانه ریشه در سیستم رکود و یک نواخت نظام این کشور ها می باشد که همواره در جهت اصلاح و نو آوری سنگ اندازی می نموده است. حوادث خاورمیانه یک تجربه جدید برای نخبگان و جامعه شناسان جهان می باشد. آیا این امکان وجود دارد که یک چنین خیزش های زنجیره یی چی شباهت های نزدیک به هم دارند؟ آیا چنین حرکات ها در سایر کشور های جهان سوم اتفاق خواهد افتاد؟ آیا آیده این کشور ها به سوی ثبات خواهد رفت؟ آیا نگرانی کشور های خاورمیانه پس از این همه خیزش ها چگونه خواهد بود؟

از این دست پرسش های زیادی وجود دارد که باید پیرامون آن پرداخته شود. آنچه در کشور های خاورمیانه قابل لمس است، این ها می باشد. در گام نخست قالب ها و نظام های سیاسی در کشور های عرب خاورمیانه، نه به شیوه زمام داری سنتگرایان شباهت دارد و نه با نظام های مدرن که با ساختار های جدید؛ چون: آزادی بیان، رسانه ها و مولفه های دموکراسی: چون انتخابات، مشارکت اقوام، گفتمان های سیاسی، انتقادپذیری و .....سر سازگاری دارد. مشکل دنیای عرب و خاورمیانه، نبود یک سیستم کارا، مسوول و با مدیریت مدرن جامعه امروزی است، در حالیکه دنیا به اصل انتخابات و زمان بندی های حاکمیت اتفاق کرده اند؛ اما زمام داران عرب؛ به شیوه دیکتاتوری قرون میانه کشور های شان را اداره می کنند که نه با شاهی مشروطه همخوانی دارد و نه به دنیای مدرن. بنا بر این خیزش های جوانان حکایه از نظام های بسته، خود محور، غیر مسوول و ناکارا می نماید که فقط با زور سرنیزه، وحشت، ترور و نظام های عسکری مردم را به زور به اطاعت از خود می سازند. از جانب دیگر اکثریت این نظام های خاورمیانه مورد حمایت قدرت های بزرگ، امریکا و اروپا قرار داشته اند و در جهت بهره برداری از منابع زیر زمینی آن ها، با چنین نظام های خود کامه، همسویی داشته اند، از جانب دیگر این قدرت ها خواسته اند، تا در یک تعامل سیاسی، حیات کشور خود ساخته غرب؛ یعنی اسرائیل را محافظت نماید، پیش از این که در مورد این خیزش ها به کتاب و تحلیل های سیاسی مراجعه شود، باید به درون جامعه این کشور ها باز گشت. آنچه این جریان را شتاب بیشتر بخشیده است، اراده و تصمیم نسل جوان در جهت اصلاح و تغییرات بنیادی در کشور های شان می باشد؛ زیرا نسل جوان این کشور ها در یک بلا تکلیفی قرار گرفته و همواره شلاق استبداد را بر شانه های خود لمس نموده اند.

این حاکمان فرعون منش، نتوانستند کاری در جهت حیات و آینده این نسل جوان انجام دهند. بدون شک پس منظر انقلاب های جهان و حرکت های مردمی در غرب نشان داد که در ویرانه های این خیزش های مردمی نوید وجود دارد که بازگشت به ثبات سیاسی، توزیع قدرت، سرمایه، آزادی بیان و حق خواهي خواهد بود **پایان**

# پاکستان او په شمالي وزیرستان کې د عملیاتو پریکړه

ن شفیق

وزیرستان د گاونډي هیواد پاکستان هغه قبایلي سیمه ده چې د افغانستان او پاکستان دواړو هیوادونو د دولتونو او هم د امریکا پوځونو پر خلاف پکې د عملیاتو د پریکړې پلانونه له بلې هرې سیمې څخه مخکې پیل شوی وو؛ څکه د افغان جهاد د بریالیتوب په هغو لومړنیو کلونو کې لاپکې د گڼو عربي او منځنۍ اسیا هیوادونو جنگیالیو ځایونه نیولي وو او تربیت ځایونه یې جوړ کړي وو او چې کله په هیواد کې د طالبانو رژیم ړنگ شو نو ډیری شمیر طالبانو او نورو بهرني جنگیالیو همدې سیمې ته پناه یوړه او په کرار کرار یې خپل ځانونه تنظیم او د خپلو مخالفینو پر خلاف عملیات آغاز کړل او هم له همدې ځایه بیا نورو سیمو ته خپاره شول چې کله (څو کلونه وړاندې) پاکستاني دولت یې پر خلاف پراخه عملیات پیل کړل نو هغه مهال په پراخو عملیاتو کې د گڼو عرب جنگیالیو په شمول، بیت الله محسود او پلویانو، او طاهر یولداش او ملگرو ته یې ځاني او مالي زیانونه ورواړول.

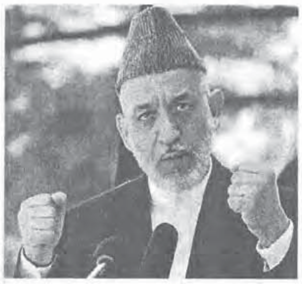
بیا چې کله د عملیاتو په نتیجه کې دغه جنگیالي له شمالي او جنوبي وزیرستان سیمو څخه د باجوړ او مهمند ایجنسیو په شمول نورو سیمو ته خواره شول نو د حافظ بهادر او ځینو نورو مشرانو سره د پاکستان د دولت لخوا یو تړون لاسلیك شو چې پکې د پاکستان دولت پر خلاف د عملیاتو نه کولو هوکړه شوې وه.

خو کله چې د ایبټ آباد په څیر پوځي سیمه کې د القاعده د مشر اسامه بن لادن په وژل کیدو سره د پاکستان دولت ته د نړیوالو مخ راواوښت نو د نړیوالو فشارونو ډیرښت پاکستان دې ته اړ کړ چې تیره اونۍ د امریکا د متحده ایالتونو د بهرنیو چارو وزیرې ((هیري کلنټن)) له پاکستاني مقاماتو سره په وروستۍ لیدنه کې ددې فیصله وشوه چې باید د پاکستان هیواد د القاعده د نورو مشرانو په له مینځه وړلو او د ترهگرۍ (؟) پر خلاف پراخو عملیاتو کې په ریښتوني توگه گامونه واخلي او له بلې خوا د اسامه د وژل کیدو را پدیخوا د پاکستان دولت پر خلاف د پاکستاني طالبانو پرله پسې درنو عملیاتو (چې د چارسدې د شبقدر ډیرۍ پوځي تربیت ځاې، د کراچۍ په بحریه هډه او د پېښور ښار په کوز تاکال سي ایۍ ډي تهانه حملې پکې د ځانگړې نوعیت او گڼو بشري او مالي زیانونو لرونکې حملې وې) پاکستاني دولت دې اړ کړ چې د افغانستان او پاکستان دواړو دولتونو پر خلاف د عملیاتو پلانونه جوړونکي مرکز (شمالي وزیرستان) باندې عملیات وکړي، که څه هم د کلنټن سره د پاکستاني مقاماتو په لیدنو کې د عملیاتو لپاره د شمالي وزیرستان د مشخص کولو ذکر نه وو شوې خو دواړه لوري سره پدې باور دي چې شمالي وزیرستان د سیمې د دواړو هیوادونو لپاره د گواښ مرکز دی او له بلې خوا چې کله د پاکستان دولت د شمالي وزیرستان د اورپکو سره کوم تړون لاسلیك کړی وو نو د هغې موخه هم دا وه چې ددغه سیمې جنگیالي نور د پاکستان دولت پر خلاف عملیات ونکړي او خپل تارگټ یې ونه گرځوي خو اوس چې د اسامه د وژل کیدو له ادعاء وروسته د پاکستان پر دولت د دغه دولت د مخالفینو لخوا په عملیاتو کې دروندوالی او ډیروالی راغلی نو ښایې چې د پاکستان دولت هم نور په پخواني تړون باندې عمل کول د خپل هیواد په گټه ونه گڼي؛ څکه خو یې د میرمن کلنټن سره په لیدنه کې ددې پریکړه کړې چې په شمالي وزیرستان باندې حمله وکړي، د پاکستاني دولت دغه پریکړه پداسې حال کې رامینځته کیږي چې له دې مخکې پدې سیمه د عملیاتو نه کولو یو لامل دا ښودل کیده چې ددغه هیواد ځواکونه په نورو ځایونو کې په جگړه اخته دي او ورسره نور دومره امکانات نشته چې دلته هم جگړه آغاز کړي، پداسې حال کې چې لاد مخه هم پدې سیمه کې د دیرش زرو په شاوخوا کې پاکستاني پوځیان شتون لري.

خو ښایې چې د شمالي وزیرستان سیمه د پاکستان او افغانستان د دولتونو د مخالفینو د قوي مرکز په توگه ډیرو امکاناتو ته اړتیا ولري او د امریکایي مقاماتو لخوا ورسره نوې وعدې هم شوې وي. او یا دا چې د پاکستان دولت د خپل له لاسه ورکړي اعتبار ښه کولو لپاره ددغه اقدام پریکړه کړې وي څو نړۍ ته دا ډاډ ورکړي چې هو! د پاکستان دولت د ترهگرو(؟) پر خلاف عملیاتو کې ریښتونی دی. او یا دا چې د سیمې د دواړو هیوادونو او دولتونو او امریکایي پوځونو پر خلاف له ټولو ستر مرکز شمالي وزیرستان باندې د جولایې میاشتې له راتگ د مخه د حملې پریکړه هم د اسامه بن لادن د وژل کیدو د سیناریو په څیر د هغو عواملو له مینځه وړلو هڅه وي چې لاملونه یې په سیمه کې امریکا دلته حضور لري او نور غواړي چې دا لوبه ختمه او راټوله کړي؛ چې د ولسمشر کرزي وروستۍ څرگندوني او امریکا ته ددې گواښ کول (چې که د شپې مهال خپلې بمبارۍ ختمې نکړي نو دوې به بیا ښکیلاکگر وگڼلی شي او تاریخ گواه دی چې افغانان د ښکیلاکگرو سره څه کوي؟) هم ددې لړۍ یوه کړۍ ده چې د جولایې د میاشتې (امریکایي پوځونو د افغانستان څخه د وتلو د نیټې) د راتگ د مخه د مقدماتو په توگه تنظیم شوې او له یو بل سره اړیکې لري. چې هم د امریکا له سیمې څخه د وتلو لپاره د اوړو پوزه برابره شي او هم د امریکا ملاتړ لرونکي واکمنان پدې وسیله وکولای شي ځانونه د ولسونو د پراخو پرگنو له غوسې او هغو بدو لقبونو ورکولو څخه خلاص کړي چې د افغانستان په تاریخ کې یې مثالونه شته دی.

وحید مژده

# کشتار غیرنظامیان و هوشدار رئیس جمهور



نیروهای ناتو در این اواخر به کشتار غیرنظامیان افزوده اند. در یکی از آخرین عملیات، نیروهای هوایی ناتو با بمباران چند خانه در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند، دوازده زن و طفل را کشتند و یکبار دیگر خواست های دولت افغانستان برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان را نادیده گرفتند. یک متضرر این واقعه که خانه اش در اثر این بمباران تخریب گردیده و اعضای خانوادۀ خود را از دست داده است گفت که بین طالبان و امریکایی ها در محلی دور به فاصلۀ سه صد متر جنگ بود اما نیروهای ناتو خانۀ وی و همسایه هایش را بمباران کردند. ناتو یکبار دیگر به خاطر این کشتار از افغان ها معذرت خواست و وعدۀ پرداخت خونبها داد اما تعداد کشته شده ها را هشت نفر خواند.

قبلا نیروهای ناتو در یک عملیات دیگر در ولسوالی دوآب ولایت نورستان، بعد از اینکه طالبان از ولسوالی عقب نشینی کردند، بدون هماهنگی و داشتن اطلاعات از ساحۀ نبرد، به بمباران ولسوالی پرداختند و بیش از بیست و دو نفر از افراد پولیس و مقامات حکومتی و بیش از بیست غیرنظامی را کشتند. بسیاری از رسانه های آزاد که ماموریت دارند فقط اخبار کشتار غیرنظامیان توسط طالبان را منعکس سازند و در پایان هم بگویند که (این یک اعلام بازرگانی بود!) در این رابطه فقط به نشر اخبار کوتاه اکتفا کردند.

در رابطه به کشته شدن غیرنظامیان در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند، رئیس جمهور کرزی به قول سخنگویش آخرین اخطار را به خارجی ها داد که از عملیات هوایی به خانه های مردم و کشتار غیرنظامیان دست بردارند در غیرآن مردم افغانستان آنها را به عنوان نیروهای اشغالگر خواهند شناخت. تروریسم در خانه های مردم افغانستان نیست و نیروهای خارجی به جای عملیات به خانه های افغان ها، به مراکز اصلی تروریست ها حمله نمایند. منظور حامد کرزی به صورت واضح خاک پاکستان بود که چندی قبل نیروهای امریکایی در آنجا اسامه بن لادن را کشتند. وی گفت که بعد از این نیرو های خارجی اجازه ندارند تا به صورت خودسر دست به عملیات بزنند. مدتی قبل نیز حامدکرزی به خارجی ها گفته بود که بین کمک و اشغال یک پردۀ بسیار نازک وجود دارد و نیروهای خارجی نباید کاری بکنند که این پرده از میان برود.

چرا رئیس جمهور کرزی این بار با چنین شدت به خارجی ها اخطار داد؟ دلیل مهم این امر اینست که وقتی یک دولت از حفظ جان اتباع خویش ناتوان باشد، اعتبار و مشروعیت خود را در نزد مردم کشور از دست می دهد. این درست همان چیزی است که امروز دولت افغانستان به آن مواجه است. بی اعتنائی نیروهای خارجی به خواست های دولت افغانستان موجب شده تا اعتبار دولت افغانستان در نزد مردم افغانستان به شدت کاهش یابد. علی الرغم خواست های حکومت از مردم، میزان همکاری مردم افغانستان با حکومت به شدت پائین است.

اما در جواب اخطار رئیس جمهور کرزی، سخنگوی ناتو گفت که آنها کماکان به عملیات شان به خانه های مردم ادامه خواهند داد زیرا این عملیات برای مبارزه علیه تروریسم مهم و موثر است.

تجربۀ سال های گذشته نشان داده که نیروهای خارجی نه به حکومت افغانستان ارزشی قایل اند و نه به جان مردم غیر نظامی افغان. از طرف دیگر تکرار این خواست از جانب حامدکرزی و نادیده گرفتن آن از طرف نیروهای خارجی، موقعیت حامدکرزی را بیش از پیش در نزد مردم به عنوان یک رئیس جمهور بی اختیار تضعیف نموده است. این بار حامدکرزی هوشدار داد که اگر این بار هم خارجی ها دست از خودسری برندارند، وی به مردم خواهد گفت که نیروهای خارجی در افغانستان اشغالگر اند.

موضوع امضای قرارداد استراتژیک افغانستان با امریکا یکی از مسایل مهم در اجندای کاری حکومت حامدکرزی است و تصمیم در این مورد را باید اعضای لویه جرگه بگیرند. اخیرا رئیس جمهور کرزی، صبغت الله مجددی را بحیث سررشته دار امور تدویر این لویه جرگه تعیین کرده است که قرار است در آیندۀ نزدیک در کابل تدویر یابد و در مورد قرارداد استراتژیک با امریکا تصمیم بگیرد. شاید رئیس جمهور گمان می کند که می تواند از لویه جرگۀ آینده به عنوان یک فشار بر خارجی ها استفاده نماید که اگر به خواست های وی توجهی نکنند، از لویه جرگه بخواهد تا علیه نیروهای خارجی موقف شدید تری اتخاذ نماید.

از جانب دیگر کشته شدن اسامه بن لادن در داخل خاک پاکستان نشان داد که در طول ده سال گذشته نیروهای بین المللی به غلط در افغانستان در جستجوی وی بودند و بیهوده صدها میلیارد دالر را به مصرف رسانیدند. رئیس جمهور کرزی می داند که اکنون تعداد بیشتری از مردم در کشور های غربی به مفهوم سخنان وی پی می برند که جستجوی مراکز تروریسم در خانه های مردم افغانستان اشتباه است و باید از آن جلوگیری گردد.

حامدکرزی در این سخنان خویش به سرنوشت اشغالگران پیشین در افغانستان اشاره کرد و گفت که جهان می داند که افغان ها با اشغالگر چگونه معامله می نمایند.

این سخنان تهدید آمیز رئیس جمهور در رسانه های خارجی هم به شکل وسیعی منعکس شد اما بعضی از رسانه های داخلی این سخنان را به ضرر افغانستان ارزیابی کردند. اپوزیسیون حکومت، از قبل رئیس جمهور را به تبانی ومعامله با مخالفین مسلح متهم کرده است که از طالب به عنوان دشمن و تروریست نامی نمی برد و ذهنیت مردم را در مورد دشمن مغشوش ساخته است.

هرچند سخنان اخیر رئیس جمهور علیه عملیات شبانه و خودسر و بمباران های کور را بعضی ها تلاشی در جهت قهرمان شدن وی تلقی می کنند اما حقیقت امر اینست که از آغاز سال میلادی ۲۰۱۱ نیروهای خارجی و طالبان هردو جنگی خونین علیه مردم غیرنظامی را براه انداخته اند. مدتی قبل در اثر بمباران نیروهای خارجی در ولایت هلمند دو موتر حامل غیرنظامیان را هدف قرار گرفت که در آن واقعه عده ای شامل زنان و اطفال به شهادت رسیدند. مقامات دولتی در ولایت هلمند تائید کردند که کشته شده ها همه غیرنظامی بودند اما نیروهای خارجی مانند معمول گفتند که کشته شده ها افراد مسلح بودند و در ضمن در مورد این رخداد وعدۀ تحقیقات دادند که نتیجۀ آن نیز مشخص نشد.

قبلا خارجی ها در ولایت کنر در دو عملیات حدود هشتاد نفر را که عمدتا اطفال بودند به شهادت رسانیدند. کمیسیون موظف که از طرف حکومت برای تحقیق در این خصوص به کنر رفته بود تائید کرد که کشته شده ها همه غیرنظامی شامل زنان، اطفال و پیرمردان بودند.

در اکثر موارد، خارجی ها به سادگی منکر کشتن غیرنظامیان می شوند که در مورد اول در غازی آباد که حدود هشتاد نفر را کشتند، چنین شد اما وقتی در مورد استفاده از سلاح های آتشزا که موجب سوختگی شدید در قربانیان از جمله اطفال شده است از آنان سوال شد، یکی از فرماندهان نظامی امریکا ضمن انکار استفاده از سلاح های آتشزا علیه مردم غیر نظامی به خصوص اطفال گفت که در افغانستان پدران به منظور تنبیه اطفال شان، دست و پای آنها را می سوزانند!

در ولایت تخار نیز در یک عملیات شبانه نیروهای خارجی زنان و مردان را کشتند و در تظاهرات مردم که فردای آنروز صورت گرفت، عده ای توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. منابع امنیتی ادعا کردند که طالبان در میان مردم نفوذ کرده بودند. قبلا در واقعۀ مشابه در مزارشریف نیز عده ای از تظاهر کنندگان کشته شدند.

در یک مورد دیگر طیارات امریکایی نه طفل را در ولایت کنر هدف قرار داده کشتند و بعد جنرال پتریوس از این کار معذرت خواست! ببخشید، اشتباه شد! به همان سادگی که مثلا من وشما در یک محل پر ازدحام اشتباها به کسی هتک حرمت می کنیم و بعد معذرت می خواهیم!

سازمان های بین المللی در تحقیقات شان فقط بخش کوچکی از کشتار غیرنظامیان را به نیروهای خارجی نسبت می دهند و بیشتر طالبان را مسوول می شمارند اما عملکرد های طالبان را نمی توان هرگز توجیه گر کشتار مردم به دست نیروهای خارجی دانست.

قطع نظر از اینکه رئیس جمهور کرزی از این سخنان چه هدف دیگری دارد، انتقاد وی از تاکتیک های رزمی خارجی ها در افغانستان به جاست و امید است که نیروهای خارجی به این خواست وی که خواست اکثریت مردم افغانستان است توجه نمایند. در شرایطی که قرار است به زودی نیروهای خارجی خروج خود از افغانستان را آغاز نمایند، بحران در روابط میان افغانستان و امریکا به نفع هیچکدام از دو طرف نیست.

## محیط زیست سالم از نیازهای...

شهرهای بزرگ، منجمله، کابل و سایر مناطقی پر ازدحام تهدید می کند و محیط زیست در پایین ترین سطح خود از نگاه زیست محیطی، هوای پاک و رفاه اجتماعی قرار دارد. در شهرهای بزرگ، مطابق برنامه های شهری، فرهنگ شهری وجود ندارد، خانه های خودسر مناطق سر سبز را نابود می سازد. مناطق شرق کابل؛ مثل: ریشخور، چهلستون و غیره که به مناطق آب شیرین شهرت دارد به وسیلۀ حفر چاه های غیر صحی برای فاضلاب مجتمع پنج میلیونی شهر کابل را از آب نوشیدنی صحی محروم ساخته است؛ زیرا این مناطق به محل مسکونی تبدیل گردیده و بلند منزل های زیادی در این مناطق در حالی ساخت و ساز می باشد. اکثریت جاده های شهر کابل بدون فرهنگ ترافیک احداث گردیده و در مجموع شهر کابل فاقد کانالیزیسیون شهری می باشد.

در موقع برف و باران کوچه ها و جاده ها از استفاده خارج می گردد. امروز در شهر کابل پارک های تفریحی، از سوی زورمندان اشغال شده و به بلند منزل ها و خانه های مسکونی، تبدیل گردیده است. آنچه در شهر کابل و سایر شهر های بزرگ افغانستان کمبود احساس می شود، نبود پارک های تفریحی است. هستند کسانی که در شهر کابل در حدود چند میلیون دالر به خاطر ساخت و ساز خانه و بلند منزل های خود هزینه می کنند و اما حاضر نیستند حد اقل چند متر راهرو و کوچه خانه خود را هموار سازند، در این جا شهر داری کابل مکلفیت دارد، تا اشخاصی را که پول های گزاف و هنگفتی را برای سر پناه خود مصرف می کنند، حد اقل کوچۀ کنار خانه خود را پاک نگهدارند و یا آن را قیر ریزی نمایند.

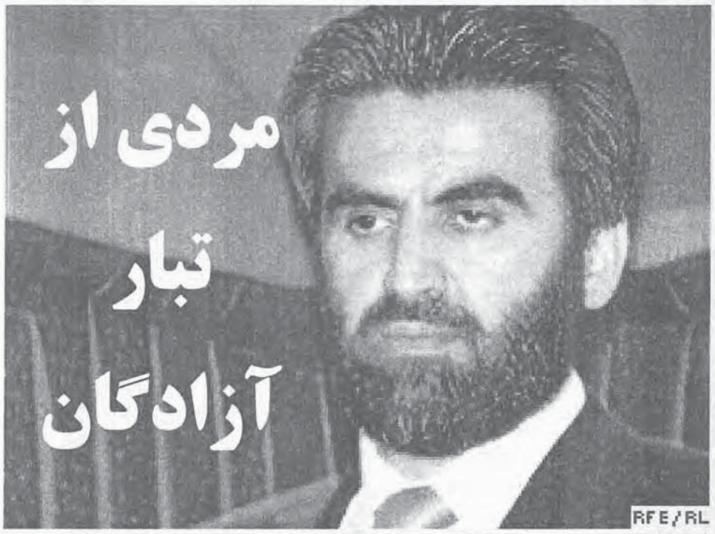
انجام این کار برای هیچ کس ظلم و ناروا تلقی نمی گردد؛ بلکه یک فرهنگ شهری است. یک مقدار مشکل ما در محیط زیست، کمبود و نداشتن فرهنگ شهری است، تا زمانی که بستر جامعه از نظر فرهنگی، تغیر نیابد، ما نمی توانیم محیط خود را پاک نگهداریم، پاک نگهداشتن شهرها، قبل از آن که مربوط شهر داری و ریاست محیط زیست باشد، از مسوولیت های شهروندان کشور است که باید بر آن پرداخته شود؛ زیرا زندگی جادۀ یک طرفه نیست، مردم باید در کنار شهر داری و ادارۀ محیط زیست همکاری کنند؛ هر قدر روحیۀ همکاری در کشور پیشتر گردد، به همان پیمانه روحیۀ زیست محیطی بلند برده می شود، که نتیجۀ آن ایجاد یک شهروند مسوول می باشد. باید بپذیریم که افغانستان مسوول یک نسل از جنگ است و تبعات فرهنگ جنگ تا هنوز از ذهن و دماغ ما زدوده نشده است، تا زمانی که هر شهروند، شهر و جاده های وطن را مال خود احساس نکنند ما قادر به محیط زیست سالم در شهر ها نخواهیم بود.

شهر کابل در گذشته های خود مناطق تفریحی زیادی را در خود داشت، اطراف شهر را محیط سبز و آرام احاطه نموده بود، باغ چهلستون، مناطق ریشخور، قصر دارلامان، باغ بابر، شهر آرا و در گذشته های دورتر باغ لطیف، علی مردان و .... در حالی که دیده می شود اکثریت این باغ ها دیگر وجود ندارد و یا هم اگر وجود داشته باشد، به پارک های کوچک تبدیل گردیده است.

از این باغ ها و محله های تفریحی قدیم کابل، دیگر خبری نیست. ایجاب می کند که برای نفوس پنج میلیونی کابل، مناطق تفریحی و پارک های جدید روی دست گرفته شود در غیر آن این شهر ریکارد جهانی را در پایین بودن شرایط محیط زیست برای خود کسب خواهد کرد. نه تنها شهرهای بزرگ مورد چنین بی مهری از نظر محیط زیست قرار دارد؛ بلکه توجه به دهات و احیای مجدد محیط در ولایات کشور از وظایف مهم کشوری محسوب می گردد. پروژه های روستایی در جهت ایجاد مناطق سبز، ایجاد جنگلات و چرا گاه های جدید از نیاز های مهم افغانستان محسوب می شود؛ زیرا توجه به محیط زیست توجه به صحت مردم است. ایجاد محیط سالم، آب و هوای قابل تنفس، مناطق تفریحی از حقوق طبیعی هر شهروند است که باید از آن استفاده کند. تخریب جنگلات و در مجموع نابودی محیط زیست باید جرم پنداشته شود و عاملان آن باید دستگیر و تعقیب عدلی گردند.

آیندۀ سرزمین ما و تندرستی عمومی جامعه بستگی به محیط زیست و سالم دارد و آینده ما و فرزندان ما به این پیوند دارد. در حقیقت توجه به محیط زیست توجه به آینده کشور خواهد بود.

# مردی از تبار آزادگان




نذرالله عنایت

حوالی عصر روز شنبه تاریخ ۷ جوزای سال روان حادثهٔ المناگ و تکاندهنده ای در تخار رخ داد. در این حادثه جنرال محمد داوود داوود فرماندهٔ زون ۳۰۳ پامیر، جنرال شاه جهان نوری فرماندهٔ امنیه ولایت تخار همراه با چند تن دیگر به شهادت رسیدند.عبدالجبار تقوی والی تخار و قوماندان آلمانی آیساف در شمال، در بین زخمی ها بودند.

واقعهٔ تخار نخستین و آخرین از این دسته رخداد های ناگوار در چند سال اخیر در کشور نیست، این بار دشمنان قسم خوردهٔ افغانستان فرزانه فرزندی را در شمال کشور نشانه گرفتند که سراسر تلاش و پیکار بود. او مرد قاطع و دشمن ستیز بود، در جریان ماموریت اش در شمال باندهای تروریستی را مضمحل ساخته بود، برخی مناطق شمال که دوسال پیش به لانه های تروریستی تبدیل شده بود، با تقرر وی به صفت قوماندان زون، امنیت و آرامش دو باره برگشت. شهید داوود داوود سفرهای کاری از یک ولایت به ولایت دیگر داشت، در هماهنگی و انسجام نیروها به مرکز عصبی امنیتی تبدیل شده بود. با مردم از نزدیک مشوره می کرد و راه های رسیدن به هدف را نقطه گذاری می نمود.

## جنرال داوود کی بود؟

شهید داوود داوود فرزند حاجی محمد حسین در سال ۱۳۴۴ هجری خورشیدی در ولسوالی فرخار ولایت تخار دیده به جهان گشود. وی دو بار ازدواج نمود و دارای چهار فرزند می باشد.

داوود خان تازه جوان شده بود که به صفوف نیروهای مقاومت علیه اشغالگران روسی شامل جبهات جمعیت اسلامی افغانستان گردید. حاجی حسین پدر بزرگوارش گویا دانسته بود که در سیمای داوود نبوغ و استعداد فراوان وجود دارد او فرزندانش را به قهرمان ملی تسلیم کرد و گفت: از این بهتر دیگر هدیه ای ندارم تا در راه خدا و وطن هدیه کنم.

او سال ها یار و یاور قهرمان ملی بود، در دورهٔ مقاومت جبهات ولایت تخار را رهبری می کرد. شهید داوود در شکست طالبان نقش اساسی را بازی کرد، به صفت قوماندان قول اردو در ولایت قندز کار کرد، چند سال معین مبارزه بر ضد مواد مخدر در وزارت امور داخله بود، از یک و نیم سال بدین سو به صفت قوماندان زون ۳۰۳ پامیر مقرر شد که در مدت کم دست آوردهای زیادی را ثبت تاریخ نمود.



## صفات حمیده:

جنرال داوود یکی از مجاهدان پاک طینت بود که همواره تقوی و طهارت در سیما و رفتارش موج می زد.

از آن جایی که بنده او را از نزدیک می شناختم، برای نخستین بار او را در بلندی های کوه های ده ویران قندز (خط مقدم نبرد) دیدم و با او آشنا شدم. او مرد تمام فصل ها بود، انسان با ایمان و با نظم بود، خدا را در همه امور حاضر و ناظر می دانست. سعی می کرد گام به گام زمان حرکت کند، تحصیلات عالی در اوایل نداشت، از این ناحیه احساس راحتی نمی کرد. این دغدغه او را واداشت تا شامل دانشگاه امریکایی و پیام نور جمهوری اسلامی ایران شود. جنرال داوود نمازش را در سخت ترین فصل سرما ترک نمی کرد. با خواندن کتاب عشق و علاقهٔ فراوان داشت، شعر را می پسندید، شب شعر برگزار می کرد، از شبکه های اجتماعی فیس بوک و تویتر استفاده می نمود.

چند روز پیش از مرگش به او از طریق فیس بوک نوشته بودم که کابل آمدی تاخبرشدم رفته بودی. درجواب نوشته بود، انشاالله که دو باره به کابل آمدم می بینیم، اما حیف که دیگر برنگشت.

در وقتی که معین مبارزه علیه مواد مخدر بود، برخی از حلقات او را متهم به حمایت قاچاقبران می کرد، اما بارها گفته بود، با آن که دست آوردهای زیاد در این عرصه داریم، اما به طور قطع، زور ما به شبکه های وسیع قاچاق نمی رسد و بودنم در این پست غیر مؤثر است.

باری به خانه اش جوانان را دعوت کرده بود، به نماز جمعه باهم رفتیم،از او پرسیدم شما که به مسجد می روید احساس ترس از حملات انتحاری نمی کنید؟ با خنده گفت: انتحاری سبب دور شدن ما از مسجد (خانه خدا) نمی شود.

## قتل های زنجیره ای:

جنرال داوود داوود، چهارمین مقام امنیتی کشور است که در ظرف کمتر از دوماه به شهادت رسیده است. پیش از حادثهٔ تخار، مولانا سید خیلی فرماندهٔ پولیس قندز، خان محمد خان مجاهد فرماندهٔ پولیس ولایت قندهار را نیز دشمنان افغانستان به شهادت رسانده بودند. شهادت این عزیزان نشان می دهد که دشمن به دنبال کسانی هست که می توانند در برابر اهداف شوم شان ایجاد موانع نمایند.

## قتل های هدفمند:

چهره هایی که طی ماه های اخیر به شهادت رسیده اند، **همه کسانی بودند که روزگار زیادی را در دامان جمعیت اسلامی پرورش یافته اند** و طی سالیان اخیر به دلیل مسایل قانونی، وابستگی های سیاسی خود را به این حزب قطع نموده بودند، اما منحیث سنگرداران فعال همواره در خدمت مردم بودند و از تمامیت ارضی کشور دفاع می نمودند.

شهادت عزیزان می رساند که این گونه قتل ها برنامه ریزی شده به هدف سرکوب سنگردارنی است که طی بیش از سه دهه بیشترین نقش را در آزادی وطن از لوث اشغالگران داشتند.

در یک کلام، دشمنان مردم افغانستان در دوماه گذشته، کلیدی ترین مهره هایی را که می توانستند برنامهٔ انتقال مسؤولیت تأمین امنیت را از ناتو به نیروهای خودی ، به برنامهٔ مؤفق بدل کنند، از صحنه برداشتند.

## شمال خار چشم دشمنان:

چند سال پیش شمال قصداً نا امن شده بود، طالبان حضور گسترده یافته و تهدیدات جدی را علیه مردم و نظام به بار آورده بوند.

با تقرر بسم الله محمدی در وزارت امور داخله حلقهٔ عملیاتی او با حضور شهید داوود، شیهد سید خیلی و شهید شاه جهان نوری، در شمال تکمیل شده بود.

با آن که برخی شخصیت ها و حلقاتی که در درون نظام، خود قومی می اندیشند، این چهره ها را به تصفیهٔ قومی در شمال متهم می کردند، اما در نهایت بر می خوردیم به دشمن مشترکی که تمام افغانستان و شخصیت های این دیار را نشانه می گیرد.! در برابر این گونه دشمن به کسانی از هر قوم و گروه نیاز داشتیم و داریم که شناخت بیشتر از دشمن داشته باشند و راهبرد های صلح و جنگ را آگاهانه به پیش ببرند.

طالبان که مسؤولیت حادثهٔ تخار را به عهده گرفته اند، شکست های فاحش را طی ماه های اخیر در شمال متحمل شده بودند. با رفتن شهید داوود، دشمنان فکر نکنند که بیشه ها خالی شده است، سنگرداران دیگری داریم که یکی پی دیگر پرچم را می بردارند و تا دم مرگ برای سربلندی عزت و شرافت این دیار می رزمند.

**روح تمام شهدای راه آزادی شاد**

**و راه شان پر رهرو باد!**

## په هیواد کی د ناامنیو ...

همدارنګه د تیرې شنبې په ورځ د تخار د خونړۍ پېښې په ورځ د پکتیا په ولایت کې هم په یوه ولسوالۍ کې په امنیتي سرتیرو برید چې دوه تنه پولیس پکې تلفات وو.

او د چهارشنبې په ورځ په قندهار او زابل ولایتونو کې د نا معلومو کسانو لخوا د دوه او نهو تنو قومي مشرانو یرغمالول که څه هم د هغوی څخه ځینې یې راخوشې کړای شوي او ځینې نور یې لاتر اوسه بندیان دي، دې ته ورته دوه اونۍ وړاندې په لغمان ولایت کې هم څلور تنه قومي مشران د دولت د مخالفینوو لخوا په یوه حمله کې وژل شوي وو.

دغه ټولې پېښې چې پدې وروستیو کې یوه د بلې پسې په ډیر څواك او پاخه پلان سره ترسره کیږي او په کې دولت ته درانه تلفات اوړي، هغه څه دي چې یا د دولت کمزورتیا او د مخالفینو پیاوړتیا په ګوته کوي چې افغان دولت یې نور په وړاندې پاتې راغلې او نشي کولای د داسې درنو پېښو مخه ونیسي؛ خکه څنګه کیدای شي چې د کابل په زړه غوندې ځای ( وزیر اکبر خان سیمه ) کې یو داسې روغتون ته حمله کوونکی ننوځي چې په دنګو دیوالونو او اغزنو تارونو احاطه شوی او په دروازو کې یې درځن امنیتي مسوولین پهره لري، یا د تخار په پیښه کې داسې غونډې ته ځانونه رسول چې هلته د دولت مهم او لوړ پوړي امنیتي چارواکي شتون لري. او همدارنګه د هرات په ځیر بل هغه ولایت کې درنه حمله چې د ښه امنیت لرلو لامله په هغو ولایتونو کې شمیر دی چې به پکې امنیتي چارې د چنګابښ په میاشت کې افغان امنیتي ځواکونو ته سپارلی کیږي.

او یا خو داسې بریښې چې د دولت په داخل کې داسې کړۍ شتون لري چې په هیواد کې د نا امنیو د پېښو د ډیرولو طراحان او یا پلویان دي او د یو منظم پلان سره خپل کارونه پر مخ بیایي چې د نږدې دوه میاشتو په موده کې رامینځته شوي پیښې ددې غمازي کوي چې دا کار هم د هیواد د موجوده دولت د کمزورتیا دلیل دی چې له داخل څخه خوړل کیږي او پر ځان نه پوهیږي. او یا خو د بهرنیو کړیو او ځواکونو د استراتیژۍ یوه برخه ده چې د افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو له وتلو د مخه د یو شمیر پیاوړو ځیرو او په ځانګړي توګه جهادي ځیرو او قوماندانانو د له مینځه وړلو منظم پلان پر مخ بیول کیږي څو د بهرنیو ځواکونو له وتلو وروسته د افغانستان جهادي رنګ او برلاسې ختمه کړای شي چې په دې وروستیو پیښو کې د جهاد د تکړه قوماندانانو او ځیرو لکه په جنوب کې د قوماندان خان محمد خان او په شمال کې د مولانا سید خیلی، جنرال داوود، جنرال شاه جهان او له هغوی د مخه په کندز کې انجینر عمر او هم په کونړ او لغمان کې د ځینو قوماندانانو وژنه ددې څرګند ثبوت دی چې د افغانستان دښمنان نه غواړي په هیواد کې د سر سړي ژوندي وګرځي او ښایي دا لړۍ نوره هم دوام ومومي.

دغو وژنو ته باید پدې لید کتنه ونشي چې څوك مړه شوي؟ او د کوم قوم او نژاد سره تړاو لري؟ لکه هغه د ملا په غوا د طبخ مرض لګیدو د قصې په ځیر چې کله د ملا صاحب په غوا طبخ ولګیده نو بیا یې ومنله چې طبخ خو ټوله دنیا نیولې ده؛ بلکې هر افغان چې د افغانانو د دښمنانو د دسیسیو او توطیو ښکار ګرځي او وژل کیږي په هغه باید ودردیږو او دې ته ونه ګورو چې څوك دی او د کوم قوم یا ژبې سره تړاو لري؟ خکه د افغان ولس د دښمنانو له ټولو ستره توطیه داده چې دغه ولس د رنګ، ژبې او قوم په بنیاد سره وویشي او یو پر بل یې بې باوره کړي او ترمینځه یې د دښمنیو تخم وکري؛ څکه پردې به آخر ځي خو پدې هیواد کې به همدا افغانان اوسیږي نو باید چې د ملي وحدت د له مینځه وړونکو کړیو توطیې شنډې او ارادې لنډې شي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

# مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

**شعار ما**

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ نهم ١٤جوزای ١٣٩٠ ٢ رجب المرجب ١٤٣٢ - 4 Jun 2011

# په هیواد کې د نا امنیو ډیریدل، د مخالفینو د زور ثبوت که د استراتیژۍ یوه برخه؟

**رفيق بحر**



له کومې ورځې راهیسې چې ولسمشر کرزي د هیواد په یو شمیر ولایتونو او سیمو کې امنیتي دندې له بهرنیو ځواکونو څخه افغان امنیتي ځواکونو ته د سپارلو اعلان کړي دی، له هغې راهیسې د هیواد په ګڼو ولایتونو او په ځانګړي توګه په دغو اعلان شوو ولایتونو او ښارونو کې د نا امنۍ پیښې ډیرې شویدي؛ د مثال په توګه درې اونۍ وړاندې د بلخ ولایت په مزار شریف کې د یوې مظاهرې په دوران کې مظاهره په خونړۍ پیښه بدلیدل، دوه اونۍ

وړاندې د کابل ښار په شهید سردار محمد داوود خان څلور سوه بستریز روغتون کې انفجارات او پکې مرګ ژوبله رامینځته کیدل، همدارنګه تیره اونۍ د شنبې په مازدیګر څلور نیمې بجې د تخار ولایت په مرکز کې په هغه غونډه باندې برید چې د ولایت د امنیتي چارواکو او ناټو ځواکونو ترمینځه د همکارۍ په موخه په امنیې قوماندانۍ کې نیول شوي وه او پکې د شمالي ولایتونو لپاره د سرحدي لواء قوماندان جنرال محمد داوود او جنرال شاه جهان د شهادتونو او والي عبدالجبار تقوا د ټپي کیدو تر څنګه په لس ګونو نور ځاني تلفات هم وو، او بیا د دوشنبې ورځ د هرات په ولایت کې دوه پرله پسې درنې چاودنې چې د ولایت د پی ارټي دفتر مخې ته په پرله پسې توګه ترسره شوې او دوهمه چاودنه یې هغه مهال رامینځته شوه چې کله د چاودنې قربانیان د خلکو له خوا اوچتیدل او انتقالیدل او پدې چاودنو کې هم د پنځو افغاني او پنځو ایټالوی پوځیانو د وژل کیدو سربیره، دوه پنځوس تنه نور وګړي ټپیان وو چې له مینځه یې ملکي وګړي هم وو

٧مخ

## بازبینی توافقنامهٔ ترانزیتی میان افغانستان و پاکستان

روز پنجشنبه ١٢ جوزا در نشستی که به همین مناسبت در کابل تدویر یافته بود، وزیر تجارت کشور با اظهار خوشبینی گفت: مشکلات میان افغانستان و پاکستان در مورد ترانزیت و امور بازرگانی حل شده است.

مقام های بازرگانی هر دو کشور به دلیل بروز مشکلاتی در اجرای توافقنامه ترانزیتی وجود داشت، آن را بازنگری کرده اند.

توافقنامهٔ ترانزیتی میان افغانستان و پاکستان چهار ماه پیش توسط وزیران بازرگانی هر دو کشور، با حضور هیلاری کلینتون وزیر خارجهٔ امریکا در اسلام آباد امضاء شده بود.

یکی از موارد اختلاف برانگیز در این توافقنامه پرداخت ضمانت مالی از سوی بازرگانان افغانستانی هنگام انتقال کالاهای تجاری از خاک پاکستان به دولت این کشور بود که بازرگانان آن را سنگین و کمر شکن خوانده بودند.

آقای احدی وزیر تجارت با اعلام اینکه حالا این موضوع حل شده، گفت که یکی دیگر از موارد اختلافی ثبت مشخصات بیومتریک(مشخصات نامرئی فرد که توسط ماشین قابل تشخیص است) افراد دخیل در ترانزیت کالاهای تجاری بوده است.

ظفر محمود، معاون وزیر بازرگانی پاکستان امضای این توافقنامه را به سود هر دو کشور دانسته و گفته است که این توافقنامه فصل تازه ای را در همکاری های منطقه ای در زمینه حمل و نقل می گشاید.

معاون وزیر بازرگانی پاکستان تأکید کرد که دولت او برای اجرای این توافقنامه تلاش خواهد کرد. اما بازرگانان افغان در گذشته گفته اند که دولت پاکستان با این که نسخهٔ قبلی این توافقنامه را امضا کرده بود، هیچ یک از مواد آن را به اجرا نگذاشت.

بر اساس این توافقنامه، وسایط نقلیهٔ شرکت های حمل و نقل افغانستان می توانند به بندرهای پاکستان رفت و آمد کنند و پاکستان هم می تواند کالاهای تجاری خود را از طریق خاک افغانستان به کشورهای آسیای میانه صادر کند.

اما در حال حاضر با توجه به چالش های موجود و بحران اعتماد که در میان دو کشور بر سر مسایل صلح و جنگ حاکم است، اجرای این گونه توافقنامه ها را که بتواند موازنه و بیلانس تجارتی را میان هر دو کشور بهینه سازد محتمل به نظر می رسد.

به بهانهٔ روز جهانی محیط زیست

# محیط زیست سالم از نیازهای نخستین جامعهٔ ما است

**تکساری**

آلودگی محیط در کشورهای صنعتی بستگی به زندگی ماشینی دارد، فاضلاب صنعتی، تخریب فضای باز به وسیله گازات، دود فابریکه ها، تردد بی حد و حصر وسایل، آلودگی های صوتی و ... می تواند محیط را آسیب پذیر سازد؛ اما در افغانستان، نه تنها شهرهای بزرگ دستخوش بی تفاوتی است؛ بلکه محیط زیست در دهات تخریب گردیده و فیصدی بزرگی از جنگلات در دهات از میان رفته است در شهرهای بزرگ ایجاد مناطق سبز در کنار شهرها و محلات مسکونی وجود ندارد، تراکم نفوس در شهرهای بزرگ، نبود فرهنگ زیست محیطی در شهرها،هجوم بی رویه به محیط زیست در دهات، قطع جنگلات، تخریب مراتع و چراگاه ها، از عواملی اند که کشور را نسبت به سال های دیگر آسیب پذیر ساخته است.

در افغانستان فعالیت های زیست محیطی بسیار ناچیز می باشد، پروژه روستایی که بتواند برای روستاییان محیط آرام و سالم ایجاد کند، وجود ندارد، استفاده از آب های سرکش به هدف محیط زیست در اولویت کاری دولت قرار ندارد.

امروز در ترکیب ادارهٔ دولت ریاست محیط زیست به فعالیت آغاز نموده است، که به صورت عموم کار و فعالیت آن، یک سلسله تبلیغات انتزاعی، مجرد و توصیه های پدرانه می باشد و بس. کار و فعالیت این اداره؛ طوری که توقع برده می شد محسوس نمی باشد.

یگانه فعالیت این اداره، به خاطر نجات مردم از محیط آلوده کابل، پیشنهاد رخصتی روز پنجشنبه می باشد. طوری که می دانیم خطر بسیار جدی محیط زیست را در

ص۶




در جهان به شکل بی رویه هجوم بر محیط زیست ادامه دارد، جنگ ها و درگیری ها در میان اقوام و قبایل، تخریب زیرساخت ها، تخریب مناطق سبز برای اعمار منازل، در جهان به یک دشواری مهم تبدیل گردیده است، که در پهلوی آن خشم طبیعت، سیلاب ها، تاسیسات اتومی بر آلودگی محیط زیست افزوده است، هر چند محیط زیست در کشورما، نسبت به کشورهای صنعتی و پیشرفته فرق می کند؛ اما هر دو از مصائب قرن بیست و یک محسوب می شود.

## کشتار غیر نظامیان و هشدار رئیس جمهور

ص۶

***

## پاکستان او په شمالي وزیرستان کې د عملیاتو پریکړه

۵مخ